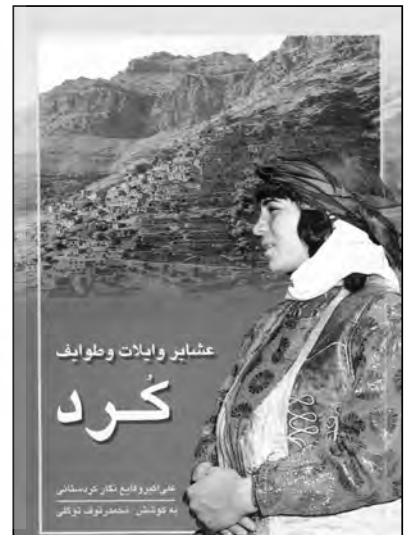


تاریخ و جغرافیای کردستان و طوایف کُرد



- ۱

○ جغرافیا و تاریخ کردستان

○ (حدیقه ناصریه و مرآت الظفر)

○ تألیف: علی اکبر وقایع نگار کردستانی

○ به کوشش: محمد رؤف توکلی

○ ناشر: توکلی، تهران، ۱۳۸۱، ۳۸۶ ص، مصور

- ۲

○ عشایر و ایلات و طوایف کُرد

○ تألیف: علی اکبر وقایع نگار کردستانی

○ به کوشش: محمدرؤف توکلی

○ ناشر: توکلی، تهران، ۱۳۸۱، ۹۱ ص

محمدرؤف توکلی که از محققان اهل بانه کردستان است، با تألیف کتاب **جغرافیا و تاریخ بانه کردستان** و انتشار آن در سال ۱۳۵۴ (چاپ دوم در ۱۳۶۳) نخستین قدم را در ادای دین به تاریخ و جغرافیای زادبوم خود برداشت. وی در سال ۱۳۶۴ کتابی با عنوان **حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان اثر علی اکبر وقایع نگار کردستانی** را تصحیح و منتشر کرد. (چاپخانه ارژنگ، چ اول، ۳۴۴ ص.) در این اثر وقایع کردستان تا سال ۱۳۰۹ ق به رشته تحریر درآمده و ذکر بقیه وقایع، به اثری دیگر موکول شده بود. این وعده با تألیف اثر دیگری تحت عنوان **مرآت الظفر** جامه عمل پوشید. مؤلف در این مجلد، وقایع کردستان را تا سال ۱۳۱۵ ق مورد بررسی قرار داده و کتاب را به **مظفرالدین شاه** تقدیم کرده است (وجه تسمیه کتاب نیز به همین مناسبت است).

کتاب، حاوی دو بخش است:

مطالب بخش اول (حدیقه ناصریه) در نه فصل تنظیم شده است:

فصل اول: سرزمین ماد

فصل دوم: سنندج

فصل سوم: بلوکات کردستان

فصل چهارم: رودخانه‌های کردستان

فصل پنجم: کوه‌های کردستان

فصل ششم: ایلات کردستان

فصل هفتم: شرح نسب اردلان و حکمرانان

آن خاندان

فصل هشتم: حکمرانان غیرمحملی کردستان

فصل نهم: ملحقات کتاب.

مصحح محترم، در بیان قوت و ضعف این اثر می‌نویسد: «نویسنده در معرفی ایلات کردستان، با نسبت‌های ناروا، در حق بعضی از ایشان بی‌لطفی نموده است. دیگر این که در بیان اعتراضات عشایر کرد به ستمکاری دستگاه شاهان ایران و حکام منتخب ایشان، کمتر جانب عشایر را گرفته است و این روش تنها به این نویسنده اختصاص ندارد، بلکه اکثر مورخین دوران استبدادی از چنین نقیصه‌ای کنار نبوده‌اند. به هر حال برای کسانی که بخواهند راجع به کردستان و گذشته آن آگاهی یابند، این کتاب یکی از منابع معتبر به‌شمار می‌رود، زیرا مؤلف آن از دقت نظر زیادی برخوردار بوده و توانسته است که قسمت‌های زیادی از تاریخ کردستان را از خطر فراموشی نجات دهد...» (ص ۱۲). این اثر علاوه بر ارایه اطلاعات جغرافیایی مفید و ارزشمند از جهت تاریخی نیز به جهت آن که تاریخی محلی به شمار می‌رود، حائز اهمیت بسیار است. از لابه‌لای سطور این اثر می‌توان به آگاهی‌های فراوانی درباره تاریخ کردستان در سده سیزدهم دست یافت. مثلاً مؤلف

در اشاره به سفر ناصرالدین شاه به کردستان به مطلبی اشاره کرده که قابل تأمل است. وی می‌نویسد: «علیحضرت ناصرالدین شاه، تشریف‌فرما گشته و برای تعمیر عمارت حکومتی سنندج هرساله به رسم استمرار، مبلغ پانصد تومان مرحمت و مقرر داشتند. افسوس که حکام بی‌انصاف کردستان در این مدت سی و چهار سال دیناری به مصرف تعمیر این عمارت نرسانیدند، حال همه خراب و ویران گردیده (است)» (ص ۱۳۵). توجه مؤلف به عملکرد حکام بومی و غیربومی کردستان در دوران قاجار و شرح و بیان اقدامات آنها - برای مثال شرح مفصل او در باب حکمرانی **حسنعلی خان امیرنظام** - از دیگر نکات مثبت کتاب است.

مطالب بخش دوم (**مرآت الظفر**) اگرچه در چارچوب فصل‌بندی مشخصی آورده نشده، اما از رئوس مطالب آن می‌توان به تنوع اطلاعات مفیدی که برای آگاهی از اوضاع و احوال تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کردستان در میان سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۵ ق لازم و ضروری است، پی برد. در این بخش به ویژه مطالبی آورده شده که از حیث تاریخ اجتماعی حائز اهمیت است.

اثر دیگر وقایع‌نگار کردستانی که توسط همین مصحح، تصحیح و منتشر شده، کتابی است که حجم، بدون عنوان و نام مؤلف که مصحح از روی دو نسخه خطی لندن و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تصحیح و نام **عشایر و ایلات و طوایف کُرد** را بر آن گذاشته است. مصحح با مقایسه محتوای این اثر با کتاب دیگر **وقایع نگار کردستانی** یعنی **بدایع اللغة** (فرهنگ کردی - فارسی) که پیش‌تر آن را تصحیح و منتشر کرده است، به این نتیجه رسیده که اثر حاضر نیز از وقایع‌نگار است. مؤلف این اثر را برای ظل‌السلطان تألیف و به او تقدیم کرده است. وقایع‌نگار در دیگر اثر خود یعنی **حدیقه ناصریه**، هفده ایل کُرد را به طور خلاصه معرفی نموده ولی در این کتاب، شمار ایلات کرد را به ۴۳ افزایش داده است.

این اثر از جهت شناخت تاریخ ایلات و عشایر و طوایف کرد کردستان که در حال حاضر اغلب شهرنشین شده‌اند، به ویژه از حیث روابط خانوادگی و اجتماعی آنها و نیز نقش برخی از این ایلات و طوایف در ساختار قدرت و تغییر و تحولات سیاسی کردستان حائز اهمیت بسیار است. کتاب بعد از یک مقدمه در ده مطلب تنظیم شده است. در هر مطلب [فصل] ایلات و طوایفی که حرف اول آنها مشترک بوده، یکجا آورده شده است. محض نمونه مطلب اول: در بیان طوایفی است که حرف اول آنها الف است: اول: طایفه اردلان، دوم: طایفه الوار... و الی آخر.